

The Process of Qur'anic Theorizing in the Field of Subjective Interpretation

Mostafa Karimi*

Abstract:

The Qur'an is God's most complete program for humanity and the progress and prosperity of humans in the enjoyment of its guidance. The use of guiding the Qur'an is achieved by discovering its opinion on the required issues. The discovery of the Qur'an is based on familiarity with the proper process of Quranic theorizing and during its stages. This research examines the Qur'anic theorizing process in order to provide the right context for extracting the Quranic theory in various issues. Data collection was done by library study, probing and processing using descriptive and analytical method. The study shows that the Qur'anic theory of the process has twelve stages: selecting the problem, refining the key concepts of the problem, preparing the structure, knowledge of the history and human achievements of the problem, obtaining important points in the problem, exploring the Quran, providing the hypothesis, categorizing and Sorting out the verses, interpreting the collected verses in their place, specifying the limitations of the signs of the verses, extracting the theory, and evaluating the theory.

Keywords: Quranic Theory, Subjective Interpretation, Theory Process, Theory levels, Production of Islamic Humanities.

* Assistant Professor, Department of Quran Interpretation and Science, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. karimi@qabas.net

(مقاله علمی - پژوهشی)

فرایند نظریه پردازی قرآنی در حوزه تفسیر موضوعی

مصطفی کریمی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۲

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۴ روز نزد نویسنده بوده است.

چکیده

قرآن کریم، کامل‌ترین برنامه خداوند برای بشریت بوده و پیشرفت و سعادت انسان‌ها در سایه بهره‌مندی از هدایت آن است. برای بهره‌مندی از هدایت قرآن به‌دست آوردن نظر آن ضروری است. کشف نظر قرآن منوط به آشنایی با فرایند درست نظریه‌پردازی قرآنی و طی مراحل آن است. این تحقیق با هدف فراهم‌سازی زمینه استخراج صحیح نظریه قرآن در مسائل مختلف، فرایند نظریه‌پردازی قرآنی را بررسی می‌کند. گردآوری اطلاعات به روش مطالعه کتابخانه‌ای و فیش‌برداری و پردازش به روش توصیفی و تحلیلی است. بررسی نشان می‌دهد، فرایند نظریه‌پردازی قرآنی دوازده مرحله دارد که عبارتند از: انتخاب مسئله، ایضاح مفاهیم کلیدی مسئله، تهیه ساختار، آگاهی از پیشینه و دستاوردهای بشری درباره مسئله، به‌دست‌آوردن دیدگاه‌های مهم در مسئله، مطالعه اکتشافی قرآن و استخراج آیات، ارائه فرضیه، دسته‌بندی و مرتب کردن آیات، تفسیر آیات گردآوری شده در جایگاه خود، مشخص کردن حد دلالت آیات، استخراج نظریه، ارزیابی نظریه.

واژگان کلیدی

نظریه‌پردازی قرآنی، تفسیر موضوعی، فرایند نظریه‌پردازی، مراحل نظریه‌پردازی، تولید علوم انسانی - اسلامی.

طرح مسئله

خداوند قرآن را جامع معرفی می‌فرماید: «و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹). این گنجینه معارف جامع الهی راهنمای انسان‌ها به سعادت است: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ...» (مائده: ۱۶) بهره‌گیری از هدایت قرآن در گرو فهم صحیح آن است. فهم قرآن به دو صورت است: در یکی هدف کشف مراد الهی از تک تک آیات با استفاده از قواعد فهم است که از آن به تفسیر ترتیبی یاد می‌شود؛ و دیگری در پی استنباط دیدگاه قرآن در باب یک مسئله است که آن را تفسیر موضوعی یا نظریه‌پردازی قرآنی گویند.

در سال‌های اخیر، به جهت بازگشت به قرآن و تلاش برای استخراج دیدگاه قرآن در مقابل نظریه‌های رقیب، اقبال خوبی به نظریه‌پردازی شده و تحقیقات شایان توجه در این باب سامان و نشر یافته است؛ لکن به‌رغم این توفیق، مسائل نظری مربوط به نظریه‌پردازی قرآنی، به‌ویژه فرایند شکل‌گیری آن، به خوبی تنقیح و تبیین نشده است و منبع مستقل در باب فرایند نظریه‌پردازی قرآنی یافت نشد.

اولاً؛ پاره‌ای از نگاشته‌ها از مراحل تفسیر موضوعی سخن گفته‌اند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۴ش، ص ۵۱-۵۲؛ العمری، ۱۴۰۶ق، ص ۷۳-۷۵؛ الد غامین، ۱۴۲۸ق، ص ۶۷-۸۷؛ علی فتحی، ۱۳۸۵، ص ۹۷-۱۰۴)؛ لکن هیچ‌یک از آنها، حتی مجموع آنها، تمام مراحل دوازده‌گانه را بررسی نکرده‌اند.

ثانیاً؛ برخی مواردی که به عنوان مراحل بیان شده است، به معنای حقیقی از شمار مراحل نیستند.

ثالثاً، این منابع، راهکارهای اجرای هر مرحله و آسیب‌های احتمالی آن را نیاورده‌اند. در نهایت این امر موجب شده نظریه‌پردازی‌های قرآنی دچار کاستی‌ها و آسیب‌ها شوند. از این رو مسائل نظری مربوط به نظریه‌پردازی قرآنی همچنان نیازمند تحقیق و بررسی است. ما برای پاسخ به این نیاز، از چندین سال پیش، پژوهشی با نام «نظریه‌پردازی قرآنی» را آغاز کرده و آن را در مقاطع دکتری و ارشد دانشگاه و سطح چهار حوزه تدریس می‌کنیم. حاصل این پژوهش جهت نشر در سازمان سمت و مؤسسه امام خمینی^(ره) مراحل نهایی را طی می‌کند. مسائل نظری و مربوط به تغییر نگرش در باب نظریه‌پردازی را در جلد اول با نام «نظریه‌پردازی قرآنی؛ مبانی تفسیر موضوعی» و مسائل کاربردی و مهارتی آن را در جلد دوم با نام «نظریه‌پردازی قرآنی؛ فرایند تفسیر موضوعی» سامان داده‌ایم. در این مقال پژوهش دوم را گزارش می‌کنم.

دو برداشت از نظریه وجود دارد و در این تحقیق هر دو کاربرد مورد نظر است: یکی برداشت عامیانه، که در آن، نظریه به جای «نظر» و «دیدگاه» به کار می‌رود. دوم برداشت علمی، که طبق آن نظریه بنیاد هر فعالیت علمی را تشکیل می‌دهد. نظریه در کاربرد دوم را گوناگون تعریف کرده‌اند (ر.ک: رفیع پور، ۱۳۴۷، ص ۹۳؛ توسلی، ۱۳۸۷، ص ۲۴-۲۵؛ هومن، ۱۳۸۴، ص ۱۱).

ضرورت تحقیق

نظریه را باید به گونه‌ای تعریف کنیم که اولاً؛ حاصل هر یک از تحقیقات بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای را شامل شود. ثانیاً؛ گونه‌های نظریه حاصل از «تعریف»، «توصیف»، «تبیین» و «توجیه» را دربرگیرد. بنابراین نظریه عبارت است از: مجموعه گزاره‌های نظام‌مند که وجود امری را ثابت می‌کند، چستی یا چگونگی چیزی را توضیح می‌دهد و یا شایسته بودن رفتاری و ضرورت انجام کاری را تبیین یا توجیه می‌کند. بنابراین مراد از نظریه پردازی قرآنی که معادل تفسیر موضوعی است، عبارتند از: «استنباط نظریه قرآن در باب یک مسئله یا موضوع، از طریق جمع‌آوری و دسته‌بندی تمام آیات مربوط و استنتاج رو شمنند آنها (کریمی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵-۱۱۰).

بنابراین اولاً؛ «بررسی دیدگاه قرآن در یک یا چند سوره، نظریه پردازی قرآنی نیست؛ زیرا ممکن است، قید یا مخصصی در سوره‌های دیگر باشد که بی‌توجهی به آنها نظریه پردازی را دچار مشکل کند (سعید، ۱۴۱۱ق، ص ۲۴-۲۵). ثانیاً؛ «تفسیر لفظی»، «تفسیر تصنیفی» و «تفسیر توصیفی» خارج از تفسیر موضوعی است؛ زیرا هیچ‌یک استنباط نظریه قرآن را پیگیری نمی‌کنند. همچنین تفسیر موضوعی شمردن تطبیق میان نظر قرآن و کتاب مقدس (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸ش، ص ۳۲-۳۷) درست نیست؛ زیرا تطبیق نظریه قرآن با نظر منابع دیگر خارج از تفسیر موضوعی است. و نیز تفسیر موضوعی نامیدن تحقیقی که حکم آن و یا موضوع و حکم هر دو خارج از قرآن باشد (قاضی زاده، ۱۳۸۶ش، ص ۲۸-۳۱) خطای فاحشی است؛ چون در هیچ‌یک نظر قرآن استخراج نمی‌شود.

فرایند عبارت است از: «مجموعه فعالیت‌های به هم پیوسته‌ای که با یک فعالیت مشخص آغاز می‌شود و با یک فعالیت معین پایان می‌یابد. بنابراین فرایند نظریه پردازی قرآنی، عبارت است از: «مجموعه‌ای از مراحل مترتب بر هم که باید محقق قرآنی برای رسیدن به نظریه قرآن در باب یک مسئله یا موضوع از ابتدا تا پایان طی کند». فرایند نظریه پردازی قرآنی، همانند دیگر

نظریه‌پردازی‌های علمی، مراحل دارد. مراد از مراحل، گام‌هایی است که محقق برای استخراج نظریه باید طی کند.

این نوشته مراحل نظریه‌پردازی قرآنی را به شکل یک فرایند و ترتیب منطقی بررسی می‌کند. در هر مرحله، طرح مسئله، راهکار انجام آن، آسیب‌های مرتبط را بیان می‌شود. با این روش، مشخص خواهد شد، نظریه‌پردازی قرآنی از کجا شروع می‌شود و در کجا پایان می‌یابد و هر مرحله چگونه انجام می‌گیرد و چه آسیب‌هایی آن را تهدید می‌کند. تأکید بر مشخص کردن آسیب‌ها به این جهت است که نظریه‌پردازی قرآنی در بیشتر موارد یک پژوهشی میان‌رشته‌ای است (ر.ک: درزی، قراملکی و پهلوان، ۱۳۹۲ش، ص ۹۴-۹۶) ضوابط دقیق‌تری می‌طلبد و آسیب‌های بیشتری گریبانگیر قرآن‌پژوهان می‌شود.

پیش از بررسی هریک از مراحل نظریه‌پردازی قرآنی دو نکته را یادآور می‌شویم:

۱. دوازده مرحله بودن فرایند نظریه‌پردازی حصر عقلی نیست و تنها حاصل تجربه چند ساله تحقیق، تدریس و اجرای آن است؛

۲. برای رعایت حجم مقاله، مراحل اول تا پنجم و مرحله هفتم که مشترک میان نظریه‌پردازی قرآنی و غیر آن است، مختصرتر از مراحل دیگر بررسی می‌شود.

۱. مرحله اول: انتخاب مسئله و عنوان سازی

در هر تحقیق از جمله نظریه‌پردازی قرآنی جزءنگر، که در آن همه مسائل قرآن بررسی نمی‌شود، انتخاب مسئله یکی از مراحل اساسی است (دانایی فر، ۱۳۸۸ش، ص ۱۵). راهکارهای انتخاب مسئله عبارتند از:

۱. مواجهه با مشکل و موضوع؛

۲. تبدیل موضوع به مسائل؛

۳. وزن‌دهی و گزینش مسأله تحقیق.

باید توجه داشت، اولاً، مسأله تحقیقی باید داخل در قلمرو قرآن بوده و قرآن به حد کافی در باب آن سخن بگوید. ثانیاً، موضوع بسیار گسترده انتخاب نشود که جمع‌بندی آیات بسیار مشکل شده و نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد.

۲. مرحله دوم: ایضاح مسئله

مسئله و مفاهیم اصلی عنوان باید به درستی تعریف شود. این امر افزون بر دادن تصور درست به محقق و فراهم سازی زمینه لازم برای تهیه ساختار مناسب، به مطالعه اکتشافی آیات کمک می‌کند. در این باره چند کار باید انجام گیرد که عبارتند از:

۱. مشخص کردن گونه مفهوم؛ از جهت عرفی بودن، تخصصی بودن و تبار آن (قراملکی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۸۸)، اصطلاح دینی، حقیقت شرعی یا حقیقت قرآنی.
۲. استفاده از گونه‌های تعریف مناسب مانند معادل گذاری لفظی، تعریف توصیفی، تعریف تحلیلی، تعریف مصداقی، تعریف قلمروی و مشخص کردن مرزهای مسئله و تعریف اصطلاحی. در این مرحله باید از آسیب افتادن در دام تشابه مفهومی به دور ماند و واژگانی را که به رغم تفاوت در معنا شبیه هم به نظر می‌رسد، استفاده نکرد.

۳. مرحله سوم: طراحی و تهیه ساختار

مراد از طراحی و تهیه ساختار، مشخص کردن قسمت‌های مختلف تحقیق، جایگاه هر یک و چینش نظام‌مند عناوین است. ساختار تحقیق قرآنی افزون بر برخورداری از فواید مترتب بر ساختار تحقیقات دیگر، به محقق کمک می‌کند، به آیات بیشتری در باب مسئله دست یازد. راهکار تهیه ساختار عبارتند از:

۱. مشخص کردن گونه تحقیق، از این جهت که آیا تعریف، توصیف، توصیه، تبیین یا توجیه است (قراملکی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۳۰).
۲. تهیه ریز عناوین از طریق تجزیه مسئله و استخراج عناصر اصلی آن، مطالعه فهرست مطالب منابع مرتبط به مسئله و طرح پرسش‌های متعدد درباره مسئله.
۳. دسته‌بندی و مرتب‌سازی ریز عناوین با ملاک درست و رعایت ترتب منطقی. البته نباید ساختار تهیه شده را قطعی پنداشت و آن را بر قرآن تحمیل کرد.

۴. مرحله چهارم: آشنایی با پیشینه تحقیق

محقق با مرور ادبیات تحقیق، پژوهش خود را با تکیه بر تلاش‌های دانشمندان پیشین آغاز می‌کند. مطالعه درست و نقادانه کارهای پیشینیان در نظریه پردازی قرآنی افزون بر فواید عام، به گردآوری آیات بیشتر کمک می‌کند. منابعی که پیشینه تحقیق به شمار می‌آیند، باید از سه جهت ذیل بررسی و گزارش شود:

الف) از جهت حجم پوشش نسبت مسأله تحقیق؛

ب) از جهت تفاوت رویکردها؛

ج) از جهت قوت و ضعف.

بسنده کردن به منابع دم‌دستی و درجه چندم و گزارش شناسنامه‌ای منابع که نتیجه شتاب‌زدگی است، از آسیب‌های پیشنهادشناسی به‌شمار می‌آید.

۵. مرحله پنجم: به‌دست آوردن دیدگاه‌ها در مسئله

به‌دست آوردن دیدگاه‌ها در مسئله به این جهت ضرورت دارد که دستاوردهای بشری در نظریه‌پردازی قرآنی به مثابه مصالح ارزنده‌ای به‌شمار می‌آید و به فهم نظر قرآن کریم کمک شایان توجه می‌کند (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۳۵). در گزارش دیدگاه‌ها، باید آخرین سخن اندیشمندان آورده شود. در روایت نیز به مسئله اشاره شده است (کلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۶۸).

۶. مرحله ششم: مطالعه اکتشافی قرآن و استخراج آیات

آیات مواد اصلی نظریه‌پردازی قرآنی است و باید تمام آن، نفیاً و اثباتاً، جمع‌آوری شود؛ زیرا چه بسا غفلت از یک آیه بخشی از دیدگاه قرآن را در هاله‌ای از ابهام فرو برد و در نتیجه آنچه استخراج می‌شود، تصویر تام از نظر قرآن نباشد. برای اطمینان از دستیابی به تمام آیات باید همه گونه‌های آیات را با استفاده از همه شیوه‌های و ابزارها جستجو کرد.

۶-۱. جستجوی گونه‌های مختلف آیات مرتبط

باید از همه گونه‌های آیات مرتبط با مسئله تحقیق جستجو کرد که عبارتند از:

۶-۱-۱. بررسی انواع دلالت‌های منطوقی و مفهومی

دلالت الفاظ بر معانی تقسیمات گوناگونی دارد. دلالت نزد دانشمندان منطق سه قسم مطابقی، تضمینی و التزامی است (مظفر، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۳۵-۳۹). دلالت در علم اصول فقه به دو گونه منطوقی و مفهومی تقسیم شده است.

معنای منطوقی، مدلولی است که لفظ به لحاظ نطق بر آن دلالت دارد و مستقیماً از آن فهمیده می‌شود (ر.ک: حائری اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴۶). منطوق یا صریح است که شامل مطابقی و تضمینی می‌شود و یا غیر صریح که همان دلالت‌های التزامی است. مدلول التزامی، اقتضایی، تنبیهی و اشاری است (تونی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۲۸).

مدلول اقتضایی معنایی است که لفظی برای آن نیامده است؛ ولی قصد شده و کلام بدون آن دلالت، صادق و صحیح نیست. مدلول تنبیهی، معنایی است که بدون وجود لفظ دال بر آن، از سیاق سخن استفاده می شود و گوینده آن را اراده کرده است. مدلول اشاری معنایی غیر آشکار بوده و لزوم بین به معنای اعم و یا از سنخ لزوم غیر بین است. خواه این مدلول از یک جمله یا یک آیه و یا مجموع چند جمله یا چند آیه استنباط شود (مظفر، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۳۴). مثلاً حضرت علی (علیه السلام) از انضمام آیه «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف: ۱۵) با آیه شریفه «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» (بقره: ۲۳۳) استفاده فرمودند، کمترین مدت بارداری شش ماه است (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۰۶).

مفهوم، معنایی است که لفظ به لحاظ نطق بر آن دلالت ندارد؛ ولی از کلام استنباط و فهمیده می شود. مفهوم، به لحاظ موافقت یا مخالفت مدلول از جهت نفی و اثبات و وجوب و حرمت، با منطوق به موافق و مخالف تقسیم می شود. مصادیق مفهوم مخالف عبارتند از: مفهوم شرط، مفهوم حصر، مفهوم غایت، مفهوم عدد مفهوم وصف، مفهوم لقب، مفهوم زمان و مفهوم مکان. تنها مفهوم شرط، مفهوم غایت و مفهوم حصر حجت است (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۳۴، ص ۱۹۴-۲۱۵).

۶-۱-۲. بررسی انواع گزاره های انشائی و هنجاری

میان «باید» و «نباید» و «هست» و «نیست» قرآن ارتباط منطقی وجود دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۷ش، ص ۳۸۵-۳۸۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۱ش، ص ۵۸-۶۱)؛ زیرا در خود متعلق دستورالعملها و احکام قرآن مصلحت و مفسده واقعی وجود دارد، مگر اینکه ثابت شود، فرمان و نهی الهی برای امتحان و تقویت روحیه بندگی انسانها بوده است. در نتیجه اولاً، از گزاره های انشائی و هنجاری قرآن، می توان به گزاره های توصیفی رسید و ثانیاً، از گزاره های توصیفی دستورالعمل و احکام مناسب استفاده می شود. بنابراین هنگام تحقیق قرآنی از مسائل هنجاری، جمع آوری آیات توصیفی و برعکس ضروری است (بستان، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۶۲-۶۴).

۶-۱-۳. بررسی آیات متناظر

قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره زمر خود را «مثالی» می خواند: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَلًا» این آیه بر متناظر بودن آیات دلالت دارد (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۲۵۶). بنابراین در نظریه پردازی قرآنی، افزون بر آیات مرتبط لفظی و معنایی، باید آیات متناظر هم گردآوری شود. گونه های آیات متناظر عبارتند از: ۱. آیات عام و خاص، ۲. آیات مطلق و مقید؛

۳. آیات ناسخ و منسوخ؛ ۴. آیات محکم و متشابه؛ ۵. آیات مفهوم و مصداق؛ ۶. آیات مجمل و مفصل؛ ۷. آیات مبهم و مبین؛ ۸. آیات حقیقت، مجاز.

۶-۱-۴. بررسی انواع دلالت‌های استقلالی و پیوندی

برخی از فرازهای قرآن، معنایی مستقل و غیر از معنای حاصل از پیوندهای متنی و فرامتنی، دارند (ر.ک: اسعدی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۳، ۱۵ و ۲۰۷). نظریه پرداز قرآنی باید این آیات را نیز جمع‌آوری کند. البته معنای مستقل فرازها، نباید مخالف معنای سیاقی فراز، معنای آیات دیگر و روایات قطعی و واقعیت‌های خارجی باشد.

۶-۱-۵. بررسی معنای ظاهری و باطنی

قرآن افزون بر ظاهر، باطن هم دارد. باطن قرآن معنایی و مصادیقی است که دلالت و انطباق آیات بر آن‌ها آشکار نیست. فهم برخی از مراتب باطن ویژه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) است و پاره‌ای از مراتب آن نیز با تأمل و دقت برای غیر معصوم نیز قابل فهم است (بابایی، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۲۰). در پژوهش قرآنی آیات مربوط با دلالت باطنی را نیز باید جمع‌آوری کرد.

۶-۲. بهره‌گیری از همه شیوه‌های جستجوی آیات

به دو شیوه کلی لفظی و مفهومی می‌توان آیات را شناسایی و استخراج کرد:

۶-۲-۱. جستجوی لفظی در آیات

در جستجوی لفظی، واژه اصلی عنوان، واژگان هم خانواده، مترادف، قریب‌المعنی، متقابل و متضاد با آن جستجو می‌شود که در ذیل شیوه آن بیان می‌شود:

الف) جستجوی واژه اصلی عنوان. در صورت غیر عربی بودن واژه باید معادل عربی آن را در قرآن جستجو کرد. اگر واژه مورد نظر چند معنا و کاربرد قرآنی داشته باشد؛ باید تنها آیاتی جمع‌آوری شود که واژه را در معنای مورد نظر به کار برده است. در صورت غیر قرآنی بودن مسئله، باید معادل قرآنی آن را پیدا کرد. مثلاً در مسئله «نقش رفاه و توسعه در دین‌گریزی»، واژه توسعه را نمی‌توان در قرآن یافت؛ ولی می‌توان واژه «بسط» را در قرآن جستجو کرد که بیانگر گشایش در زندگی انسانی است.

ب) **جستجوی واژگان هم خانواده.** باید واژگان هم خانواده لفظ اصلی عنوان مانند افعال، اسامی و مشتقات دیگر در قرآن جستجو شود. همچنین در کنار آیات مربوط به فرد مورد نظر، آیات مربوط به تمام افراد و بر عکس را نیز باید استخراج کرد. این قاعده در مورد اسم جنس و افراد آن نیز جاری است.

ج) **جستجوی واژگان مترادف و قریب‌المعنی.** به‌رغم اختلاف در وجود مترادف در زبان عربی (ر.ک: سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۳۷) و قرآن (ر.ک: عوده، ۱۴۰۵ق، ص ۲۲)، پاره‌ای از واژگان قرآن مانند واژه «استقامت» و «صبر» قریب‌المعنی هستند. باید از طریق کتب مترادفات مانند «فقه‌اللغه» و «جوه و نظایر»، واژگان مترادف و قریب‌المعنی با عنوان را شناسایی و در قرآن جستجو کرد.

د) **جستجوی واژگان متقابل و متضاد.** در برخی موارد قاعده مشهور «تُعرف الاشياء باضدادها»؛ کار ساز است و برای شناخت ویژگی‌های یک مسأله، آگاهی از امور متضاد با آن کمک می‌کند. از این رو، در بررسی مسائل قرآنی، افزون بر آیات در بردارنده آن مسأله، آیات مربوط به واژگان متضاد آن نیز جستجو می‌شود.

۲-۲-۶. جستجوی مفهومی در آیات

در نظریه پردازی قرآنی، گردآوری آیات مرتبط لفظی کفایت نمی‌کند؛ زیرا قرآن از برخی مسائل سخن گفته است، بدون اینکه لفظ آن را به کار ببرد. مثلاً آیه: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ ...» (آل عمران: ۶۴) بدون کاربرد واژه آزادی، مربوط به آزادی معنوی است (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۷ش، ص ۴۳۸-۴۳۹).

۳-۶. استفاده از تمام ابزارها و منابع جستجوی آیات

برای اطمینان از جمع‌آوری تمام آیات، باید از همه ابزارها استفاده کرد. این ابزارها عبارتند از:

۱-۳-۶. معجم‌های لفظی

در جستجوی لفظی، حتماً باید از معجم لفظی مانند معجم «المفهرس لألفاظ القرآن» که با مطالعه دقیق تمام آیات سامان یافته است، استفاده کرد؛ زیرا ممکن است در برخی واژگان اشتقاق کبیر یا اکبر صورت بگیرد و یا به‌گونه‌ای اعلال صرفی محقق شود که نتوان با جستجوی حروف ماده صرفی (مصدر ثلاثی مجرد) در متن قرآن، آیات مربوط را یافت.

۶-۳-۲. معاجم، فرهنگ‌ها و تصانیف موضوعی

فرهنگ‌ها، معاجم و تصانیف قرآنی آیات قرآن را بر اساس موضوعات و مسائل دسته‌بندی کرده‌اند. مانند کتاب «فرهنگ قرآن؛ کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن»، به قلم اکبر هاشمی رفسنجانی و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن.

۶-۳-۳. تفاسیر موضوعی

از شمار ابزارهای جستجوی آیات، تفاسیر موضوعی هستند. در استفاده از تفاسیر جامع سیستمی و تک‌نگاره‌های قرآنی؛ به جهت مشخص و منظم بودن عناوین، کار آسان است؛ ولی استفاده از تفاسیر جامع غیرسیستمی که در آن مسائل نظم خاص ندارد، جستجو کمی مشکل بوده و باید جلد یا قسمت مربوط به مسئله را با دقت پیدا کرد.

۶-۳-۴. معاجم روایات تفسیری (تفسیر روایی محض)

معاجم روایات موضوعی ابزار رسیدن به معانی و مصادیق باطنی آیات از طریق روایات باطنی است.

۶-۳-۵. مطالعه دقیق کل قرآن

در نظریه‌پردازی قرآنی، باید کل قرآن را از اول تا آخر مطالعه کرد. هنگام مطالعه آیات، یکی از این سه حالت پیش بیاید می‌آید: ۱. یقین به وجود ارتباط؛ ۲. یقین به عدم ارتباط؛ ۳. شک نسبت به ارتباط آیه با مسئله. تنها در حالت سوم تأمل اضافی ضرورت دارد. لازم به ذکر است که در جداسازی آیات هنگام گردآوری آنها، باید پیوستگی ادبی میان فرازها حفظ شود. آسیب‌های مرحله ششم نیز عبارتند از: ۱. مطالعه هم‌زمان قرآن برای جمع‌آوری آیات مربوط به چند مسأله (ر.ک: العمری، ۱۴۰۶ق، ص ۴۴)؛ ۲. سهل‌گیری یا سخت‌گیری بی‌مورد؛ ۳. بسنده کردن به یک مورد از آیات همانند.

۷. مرحله هفتم: فرضیه‌سازی

فرضیه‌ها یا سخ غیرقطعی و راه حلی موقت، ولی حساب شده، به سؤال تحقیق است (فردیک نیکلز کرلینجر، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۴۴). کسانی بر این باورند که تنها تحقیقات تبیینی نیاز به فرضیه دارد که در پی کشف روابط بین پدیده‌ها یا علت‌یابی پدیده‌ها است. در تحقیقات

تو صیفی، به‌رغم جواز ارائه فرضیه، ضرورت ندارد و تحقیقات اکتشافی فرضیه‌بردار نیست (ر.ک: موسوی‌نسب، ۱۳۹۰ش، ص ۶-۷).

به نظر می‌رسد، ارائه فرضیه در نظریه‌پردازی قرآنی، هم ممکن است و هم در مواردی ضرورت دارد؛ زیرا اولاً، در پژوهش‌های علمی توصیفی و اکتشافی نیز داشتن فرضیه لازم است؛ چرا که تحقیق علمی تلاش برای معلوم کردن مجهول یا حل مسئله است. مجهول می‌تواند ماهیت، وضعیت یا حالات یک شیء باشد (ر.ک: هومن، ۱۳۸۴ش، ص ۴۳). ثانیاً، ضرورت فرضیه و عدم آن به نوع مسئله تحقیق بستگی دارد، نه به منبع و روش آن. در پژوهش تبیینی، منبع تحقیق هرچه باشد، فرضیه ضرورت دارد.

طبق باور به انحصار فرضیه در تحقیقات تبیینی، بیان فرضیه در این سه حالت خواهد بود: الف) مطالعه اثر متغیرها بر یکدیگر؛ ب) مطالعه رابطه بین متغیرها؛ ج) مطالعه تفاوت بین متغیرها (ر.ک: حسن‌زاده، ۱۳۸۶ش، ص ۵۹). هر یک از این سه مورد در قرآن قابل بررسی است. مثلاً تحقیق از علل و عوامل شکست و انحطاط جوامع در قرآن، که حتماً فرضیه لازم دارد؛ زیرا از نوع مطالعه تأثیر متغیرها بر یک دیگر است.

با توجه به تعریف فرضیه، راهکار فرضیه‌سازی عبارتند از:

۱. کسب آگاهی مناسب از طریق مطالعه پیشینه تحقیق و نظریه‌های موجود در مسئله؛
 ۲. تمرکز ذهنی بر سؤال تحقیق؛
 ۳. بیان پاسخ حدسی به صورت جمله خبری؛
- در صورتی که به علت گستردگی مسئله، مانند مسئله پایان‌نامه، رساله یا طرح کلان، که پرسش‌های متعددی مطرح است، باید دو اقدام زیر انجام گیرد:
۱. ارائه پاسخ فرضی جداگانه‌ای برای هر یک از پرسش‌ها؛
 ۲. ارائه فرضیه‌ها متناسب با ترتیب پرسش‌های فرعی؛
 ۳. تنظیم فرضیه‌ها به شکل نظام‌مند که بتوان فرضیه اصلی را از آنها استخراج کرد.
- در این مرحله نیز ممکن است برخی موانع و آسیب‌هایی بروز کند که عبارتند از: ۱. ارائه فرضیه بدون پشتوانه علمی؛ ۲. تحمیل فرضیه بر قرآن.

۸. مرحله هشتم: دسته‌بندی و مرتب‌سازی آیات

دسته‌بندی و مرتب‌سازی آیات به تصحیح و تکمیل ساختار کمک می‌کند و زمینه انجام مراحل بعدی را فراهم می‌سازد.

برای دسته‌بندی آیات و راهکارهای آن در این مرحله لازم است، آیات طبق ساختاری که از پیش تهیه شده است، ذیل ریز مسأله مربوط قرار گیرد. در این باره چند نکته قابل توجه است که عبارتند از:

۱. تدبر روشمند در آیات برای تشخیص دقیق ارتباط آیات به هر یک از ریز مسائل (ر.ک: مرادی زنجانی و لسانی فشارکی، ۱۳۸۵ش، ص ۷۷ - ۸۶)؛

۲. امکان ارتباط آیه به چند ریزعنوان و ضرورت قرار گرفتن آن در ذیل همه آنها؛

۳. درست کردن ریزعنوان جدید در صورت نبود ریز عنوان مرتبط

برای مرتب‌سازی آیات در صورت تعدد آنها ذیل ریزعنوان، طبق معیار درست چینش می‌شوند. ملاک تقدم و تأخر آیات عبارتند از:

۱. تقدم و تأخر منطقی. آیه‌ای که مطلب آن تقدم منطقی دارد بر آیات دیگر مقدم می‌شود.

۲. تقدم زمان نزول (ر.ک: الالمعی، ۱۴۰۵ق، ص ۲۲). آیه پیش‌تر نازل شده، مقدم می‌شود.

فواید این ترتب نیز عبارتند از:

۱. زمینه‌سازی برای فهم درست مدلول مجموعی آیات؛

۲. کمک به تشخیص آیات ناسخ از منسوخ؛

۳. مشخص شدن سیر تطور مسئله و فضای فرهنگی زمان نزول نسبت به آن (ر.ک: مسلم،

۱۴۲۱ق، ص ۳۷).

ترتیب فعلی آیات قرآن در سوره‌ها مورد اطمینان است. لکن دلیل قطعی بر تطابق نظم فعلی سوره‌ها، بر ترتیب نزول نیست (طباطبایی، ۱۳۵۳ش، ص ۱۷۱). از این‌رو تعلق آیات به چند سوره به دو شیوه می‌توان به ترتیب سوره پی‌برد:

۱. از طریق روایت (معرفت، ۱۳۷۵ش، ص ۵۷ و ۵۸)؛

۲. بر اساس اجتهاد. دو راه اجتهادی مطرح است: تأمل در مضامین سوره (طباطبایی،

۱۳۵۳ش، ص ۱۱۱-۱۲۸) و تأمل در طول آیات سوره (بازرگان، ۱۳۷۷ش، ص ۳۱-۳۲).

۳. قوت در دلالت. آیه با دلالت قوی مقدم می‌شود. مانند تقدم مدلول منطوقی بر مدلول

مفهومی و تقدم نص بر ظاهر (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۳۸ - ۴۳۹).

۹. مرحله نهم: فهم آیات در جایگاه خود

آیات جمع‌آوری شده باید در جایگاه خود به‌درستی فهم شود؛ از این‌رو تفسیر ترتیبی از مهم‌ترین مراحل نظریه‌پردازی قرآنی و شالوده آن است (ر.ک: صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۴۲).

راه کاره‌های این مرحله در پنج گام تبیین شده اند، چون برخی از مراتب باطن قرآن از دلالت عرفی آیات فراتر بوده و ویژه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) است (کلینی، ۱۳۶۷ش، ص ۲۲۸). تنها از طریق روایات معصومان می‌توان به تمام معانی باطنی آیات رسید. اما برای فهم معانی ظاهری، باید فرایند صحیح تفسیر ترتیبی قرآن طی شود. فرایند متشکل از گام‌هایی است که عبارتند از مراحل ذیل:

۹-۱. گام اول: کسب اطمینان از الهی بودن متن آیه و قرائت آن

برای فهم هر متنی نخست باید از استناد آن به صاحبش اطمینان حاصل کرد (مطهری، ۱۳۸۴ش، ص ۲۷) به یقین قرآن موجود، وحی خداوندی است و مراحل مختلف انتقال آن، از هر خطا و دستبرد به دور بوده (کریمی، ۱۳۸۶ش، درس یازدهم) و تحریف نپذیرفته است (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳). اما قرائت آیات، یعنی چگونگی تلفظ حروف، کلمات و عبارات آنها (ر.ک: زرقانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۰۵)، قصه دیگری دارد.

با عنایت به این سه مطلب، فحوص از قرائت واقعی لازم است:

۱. یکی بودن قرائت واقعی قرآن (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۶۳۰، ح ۱۲ و ۱۳)؛
 ۲. وجود قرائت‌های گوناگون از آیات (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۴۲-۴۹)؛
 ۳. ضرورت کشف مراد خداوند از عبارات نازل شده در تفسیر.
- در صورت وجود چند قرائت مشهور برای یک آیه، با این معیارها، قرائت واقعی به دست می‌آید:

۱. مطابقت با روایت متواتر یا روایت همراه با قرینه قطعی؛
 ۲. مطابقت با شهرت در صدر اسلام؛
 ۳. سازگاری با قواعد ادبی فصیح؛
 ۴. سازگاری با مسلمات دینی و عقلی؛
 ۵. مطابقت با سیره عملی مسلمانان (ر.ک: رجبی، ۱۳۸۳ش، ص ۴۳-۴۵).
- اگر قرائت واقعی کشف نشد، در صورت وجود معنای جامع یا قدر متیقن بین قرائت‌ها، قرائت متضمن معنای جامع یا قدر متیقن، اخذ می‌شود. اما اگر قدر جامع یا قدر متیقن در میان نباشد، باید آیه را احتمالی معنا کرد.

۹-۲. گام دوم: شناخت معانی واژگان

برای رسیدن به معنای واژگان در قرآن راهکارهای زیر باید پیگیری شود:

۱. تشخیص گونه واژگان از نظر اسم، فعل یا حرف بودن و نوع اسم و فعل. اسم جامد یا مشتق است و اسم مشتق به شکل‌های مختلف مانند اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه، صیغه مبالغه به کار می‌رود که معنایی متفاوتی دارند. فعل نیز به شکل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، انکار به کار می‌رود و باب‌های مزید گوناگونی دارد و معانی آنها با هم تفاوت دارند.

۲. به دست آوردن ریشه اصلی واژگان. ریشه اصلی واژگان غیر جامد را باید پیدا کرد و الا تفسیر دچار خطا می‌شود.

۳. به دست آوردن معنای ریشه‌ای و کاربردها و کاربرد مورد نظر از واژگان. در صورت تعدد ریشه معنایی، با استفاده از قرآینی مانند استفاده زیاد میان اهل آن زبان (ر.ک: حلی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۲۴)، باید یکی از آنها را معین ساخت. در صورت نبود قرینه‌ای برای ترجیح دادن یکی از معانی، اگر واژه مشترک لفظی باشد، مانند «شیر»، معنا مجمل می‌شود؛ ولی اگر واژه مشترک معنوی باشد، مانند «انسان»، بر همه مصادیق حمل می‌شود.

باید معنای واژگان قرآن را در زمان نزول قرآن به دست آورد و آن‌گاه به سراغ قرآن رفت تا کاربرد قرآنی آنها را مشخص ساخت؛ زیرا اولاً، ارتباط فرهنگی مسلمانان با جوامع دیگر، گاه معنای جدیدی بر قامت برخی پوشانده است؛ ثانیاً، مخاطبان نخستین قرآن می‌بایست، آیات را درک کنند.

۴. کشف معنای حقیقت قرآنی و تحول یافته. معارف قرآن در ظرف واژگان عربی بیان شده است؛ لکن در پرتو سیاق‌های قرآنی و قراین مضمونی بر برخی واژگان معنای و حقایق نومی اشراق شده و در معنای جدید به کار رفته و به اصطلاح خاص شرعی و قرآنی تبدیل شده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۷۲). واژگانی مانند صلاه، سجود، صیام، حج، زکات، صراط و قلب (عوده، ۱۴۰۵ق، ص ۲۲).

این واژگان را نمی‌توان تنها با مراجعه به منابع لغوی و کاربردهای زمان نزول معنا شناسی کرد. پاره‌ای از واژگان قرآن نیز با قرار گرفتن در داخل حوزه‌ای از کلمات معنای نسبی پیدا کرده‌اند (ر. ک: ایزوتسو، ۱۳۸۱ش، ص ۱۳-۱۵ و ۱۷-۱۸). از این رو برای به دست آوردن معنای قرآنی واژگان آیات باید افزون توجه به میدان معنایی آن، از شیوه‌های مختلف مانند توجه رابطه هم‌نشینی و جانشینی و تقابل نیز استفاده کرد.

در معناشناسی واژگان قرآن باید از منابع اصیل و اولیه خود قرآن، روایات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اهل بیت (علیهم السلام)، احادیث صحابه و تابعان و متون ادبی عصر نزول استفاده کرد.

۳-۹. گام سوم: به دست آوردن موقعیت ادبی واژگان و عبارات در آیات

با تفاوت موقعیت واژگان در ساختار ادبی جمله و موقعیت جمله در عبارت چند جمله‌ای معانی گوناگونی پیدا می‌شود. همچنین انواع جمله‌ها عاطفه، استینافیه، حالیه، اسمیه و فعلیه کاربردهای کنایی و مجازی، تشبیه‌ها معنای متفاوت دارند. از این رو باید موقعیت ادبی آنها را به دست آورد. برای این کار، باید از فصیح‌ترین قواعد ادبیات عرب استفاده کرد؛ زیرا قرآن به زبان عربی بوده و از جهت فصاحت و بلاغت معجزه است (ر.ک: الدرّاز، ۱۳۹۴ق، ص ۲۰-۳۲).

البته در صورت مخالفت قاعده ادبی با قرائت قطعی قرآن، آن قاعده را کنار می‌گذاریم؛ زیرا اولاً، قواعد ادبی بعد از نزول قرآن تدوین شده (ر.ک: ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۰) و قرآن از مستندات آن بوده است، ثانیاً، قرآن سخن خداوند آگاه به حقایق بوده و اعجاز در فصاحت و بلاغت دارد (الفراء، ۱۹۸۰م، ص ۱۴). مثلاً به‌رغم اینکه نحویان تقدم حال بر ذوالحال مجرور شده به حرف جرّ را جایز نمی‌دانند؛ ولی قرآن کریم این کار را انجام داده است. مانند آیه شریفه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» (سبأ: ۲۸) که در آن واژه «كَافَّةً» بر «لِّلنَّاسِ» که ذوالحال مجرور به حرف جرّ است، مقدم شده است. سیوطی با توجه به این نمونه‌هایی قرآنی، تقدم حال بر ذوالحال مجرور شده به حرف جرّ را جایز دانسته و آورده است:

و سبق حال ما بحرف جرّ قد أبوا و لا أمنعه فقد ورد

(ر.ک: السیوطی، بی‌تا، ص ۲۲۹).

۴-۹. گام چهارم: کشف مفاد استعمالی آیات

مفاد استعمالی، اراده صاحب سخن بر استعمال واژگان و هیأت‌ها در معانی موضوعه آنها است. اصل بر این است که معانی موضوعه واژگان و هیأت‌ها اراده شده است؛ مگر قرینه بر خلاف باشد (مظفر، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۰-۲۱)؛ بنابراین برای به دست آوردن مفاد استعمالی آیات دو امر زیر لازم است:

الف) در نظر گرفتن قرینه پیوسته لفظی که همان سیاق است. سیاق نوعی ویژگی برای کلمه و جمله است که بر اثر همراه بودن آن با کلمه‌ها و جمله‌های دیگر به وجود می‌آید (بابایی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۲۷). قرینه بودن سیاق برای فهم، از اصول محاوره عقلایی بوده (ر.ک: الزرکشی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۹) و با دو شرط قرینه فهم قرآن است: یکی پیوستگی در نزول و دیگری ارتباط موضوعی (بابایی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۳۴-۱۴۲).

ب) در نظر گرفتن قراین پیوسته غیر لفظی که عبارتند از:

۱. فضای نزول که شامل سبب نزول، شأن نزول، فرهنگ زمان نزول، زمان نزول و مکان نزول می‌شود؛
۲. اوصاف الهی؛
۳. ویژگی‌هایی مورد عنایت متکلم از مخاطب هنگام سخن؛
۴. ویژگی‌های مورد توجه گوینده و شنونده از موضوع سخن؛
۵. لحن سخن؛
۶. مقام سخن؛
۷. معارف عقلی بدیهی (ر.ک: رجبی، ۱۳۸۳ش، ص ۹۴).

۹-۵. گام پنجم: به‌دست آوردن مراد جدی الهی از آیات

اصل بر این است که صاحب سخن در مقام انتقال معنایی است که آن را قصد کرده است؛ مگر قرینه‌ای برخلاف باشد (ر.ک: مظفر، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۴۵). از این رو برای فهم مراد جدی خداوند از آیات، دو کار زیر را باید انجام داد:

الف) توجه به قراین ناپیوسته لفظی و غیر لفظی، که عبارتند از:

۱. آیات دیگر. به رغم پراکندگی ظاهری قرآن، در اثر نزول تدریجی، آیات آن مجموعه‌ای به هم پیوسته بوده و قرینه فهم یکدیگرند و بعضی از آنها برخی دیگر را توضیح می‌دهند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۲۵۶).

۲. سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اهل بیت (علیهم السلام). طبق سیره عقلا برای فهم آیات نیازمند به تفهیم از سخنان معلمان قرآن استفاده کرد. طبق آیه «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴) حضرت (صلی الله علیه و آله) و جاز شینان ای‌شان (علیه السلام) مفسران قرآن هستند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۰۵). روایات نیز اشاره دارد، بخشی از قرآن نیازمند معلم بوده و آن بزرگواران معلم قرآن هستند (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۱۲۹).

ب) در نظر گرفتن قراین ناپیوسته غیر لفظی که عبارت است از (ر.ک: بابایی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۱۹-۲۲۷):

۱. معارف نظری یقینی عقلی. چون خداوند حکیم است، خلاف معارف یقینی سخن نمی‌گوید. سیره عقلا و نیز روایت این نوع معارف را قرینه فهم قرآن شمرده است (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۱۶۲، ح ۱).

۲. ضروری دین و مذهب (ر.ک: شریف رضی، ۱۴۰۶ق، ص ۳۴۳ و ۳۴۴).

۳. اجماع. اجماع به معنی اتفاق علمای امت بر یک مسئله که متضمن قول معصوم (ع) است.

پاره‌ای از امور آسیب این مرحله‌اند که عبارتند از: ۱. تفسیر به رأی که روایات بسیار درباره آن هشدار داده است (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۱۳۷)؛ ۲. دخالت دادن انتظارات، تمایلات و تعصبات (ر.ک: کریمی، ۱۳۸۸ش، ص ۳۴-۴۷)؛ ۳. غفلت از هدف از تفسیر آیات در جایگاه خود است. در این مرحله، باید تنها آن قسمت از آیات را بررسی کرد که در کشف نظریه قرآنی مؤثر است.

۱۰. مرحله دهم: مشخص کردن حد دلالت آیات بر مسئله

قرآن «ذو وجوه» است (نهج البلاغه، نامه ۷۷). در نتیجه برخی آیات در نگاه نخست معانی متعددی را بر می‌تابد که باید طبق بیان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به بهترین وجه حمل کرد (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۳).

با عنایت به دسته‌بندی و مرتب‌سازی آیات در مرحله هشتم، در این مرحله، برای مشخص کردن حد دلالت آیات تنها ارتباط آیات با ریز مسائل از دو جهت بررسی می‌شود:

الف) اصل دلالت آیه بر ریز مسأله. نتیجه این بررسی یکی از چند حالت خواهد بود:

۱. آیات تنها با ریز‌عناوین خود ارتباط داشته و دسته‌بندی موجود صحیح است؛
۲. آیه به ریز‌عنوان دیگری نیز مربوط می‌شود. در صورت وجود ریز عنوان، آیه ذیل آن ریز‌عنوان نیز قرار می‌گیرد؛ و الا باید ریز‌عنوان مناسب آیه را به ساختار افزود؛
۳. آیه بر ریز‌عنوان‌های موجود یا ریز‌عنوان دیگری دلالت ندارد. در این صورت آیه کنار گذاشته می‌شود.

ب) بررسی درجه دلالت آیات بر ریز عنوان. در مرحله هشتم، قوت و ضعف دلالت آیات، به عنوان یکی از ملاک‌های مرتب‌سازی آیات ذیل عناوین، با تشخیص ابتدایی به دست آمد. در این مرحله، که بعد از فهم دقیق آیات در جایگاه خود، انجام می‌گیرد، درجه دلالت آیات بر ریز‌عناوین با دقت بیشتری بازبینی می‌شود.

مهمترین آسیب این مرحله ناتوانی از تشخیص معنای مورد نظر از واژگان و حمل بر وجه احسن از وجوه گوناگون آیات است. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «کسی فقیه کامل نیست، مگر این که قرآن را دارای وجوه فراوان ببیند» (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۴۴۰-۴۴۱).

۱۱. مرحله یازدهم: استخراج نظریه

هدف نظریه پردازی قرآنی به دست آوردن نظر قرآن است. در این مرحله، با استفاده از مراحل پیشین، آن هدف حاصل می شود. با برقراری ارتباط بین آیات و مشخص کردن جایگاه آنها و استفاده از تمام قراین، مفهوم مجموعی و نظریه به دست می آید (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۲۷). این امر در آیات همسو و متناظر متفاوت است:

۱۱-۱. با هم دیدن آیات همسو

آیات مرتبط با مسئله که همسو بوده و تخالف ندارند، دو دسته اند:

الف) آیات همسو از حیث سور، کیف و جهت و دارای مفهوم یکسان. در این صورت، یک آیه در متن بررسی شده و آدرس بقیه در پاورقی می آید.
ب) آیات متناظر، مانند آیات بیانگر مفهوم و آیات بیانگر مصداق، آیات محکم و متشابه و آیات بیانگر حقیقت و آیات بیانگر مجاز. در این صورت، باید تمام آیات را آورد و به کمک هم فهم کرد.

۱۱-۲. با هم دیدن آیات متعارض

«تعارض» مصدر باب تفاعل از «عرض» به معنای مقابل طول بوده (ر.ک: یزدی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۸ و نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۴، ص ۷۰۰) و در اصطلاح عبارت است از: منافات داشتن دو یا چند دلیل در مقام دلالت، به گونه ای که هر دو نمی تواند صادق باشد (ر.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۴۳۷).

مراد الهی از آیات به صورت قضیه بیان شده و تقابل میان دو قضیه در صورتی است که از لحاظ موضوع و محمول یکسان باشند؛ ولی از جهت سور، (کلی یا جزئی بودن) یا نسبت (ایجاب یا سلب حکم از موضوع) و یا هر دو متفاوت. اقسام تقابل عبارتند از: تناقض، تضاد، تداخل و تداخل تضاد. تعارض بین قضایا از یک حیث، دو گونه است: مستقر و غیرمستقر. در ادامه وجود یا عدم وجود آن دو در قرآن و راهکارهای رفع را بررسی می کنیم.

۱۱-۲-۱. راهکارهای رفع تعارض مستقر در قرآن

در تعارض مستقر، دو یا چند آیه، به گونه ای باهم تنافی دارند که جمع عرفی میان آنها ممکن نبوده و هر یک مدلول دیگری را نفی می کند (ر.ک: صدر، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۵۴۲). در این نوع تعارض دو حالت متصور است:

حالت اول: رجحان یکی بر دیگری. چون در قرآن مسئله تفاوت سند و جهت مطرح نیست، تنها دلالت آیات لحاظ می‌شود. در میان آیات متعارض که قوت دلالت ذاتی آنها بر مسئله در یک حد است؛ آیه‌ای که دلالت آن با قراین دیگری مانند روایت یا حکم عقل یا تجربه تقویت شود، ترجیح داشته و مقدم می‌شود (ر.ک: یزدی، ۱۳۲۶ق، ص ۴۴ و نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۴، ص ۷۲۶).

حالت دوم: تعادل بین دو دسته آیات از هر جهت. این حالت در صورتی است که دو یا چند آیه متعارض، از هر نظر مساوی بوده و هیچگونه ترجیحی نسبت به هم نداشته باشند. این نوع تعارض در قرآن وجود ندارد؛ زیرا لازمه‌اش دو امور غیر مقبول است: اول خلاف واقع بودن یکی از آیات؛ دوم، وجود اختلاف در قرآن.

حال آنکه اولاً، قرآن واقع‌نما است؛ زیرا اصل اولیه نزد عقلا این است که سخن افراد واقع‌نما بوده و به آن ترتیب اثر داده می‌شود؛ مگر دلیلی برخلاف باشد. قرآن نیز این روش انسان‌ها را می‌پذیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۱۲). همچنین ادله ضرورت وحی و نبوت و پاره‌ای از اوصاف خداوند و قرآن بر واقع‌نمایی آیات قرآن دلالت دارند (ر.ک: کریمی ۱۳۸۶ش، ص ۳۲۲-۳۲۶).

برخی از او صاف خداوند مانند: حق‌گوبودن (احزاب: ۴)، صادق بودن (نساء: ۷۸)، حکیم بودن (لقمان: ۲)، هادی بودن (حج: ۵۴) و اوصاف قرآن کریم مانند: حق بودن (واقعه: ۹۵)، هدایتگر به حق بودن (احقاف: ۳)، صادق بودن (نساء: ۷۸)، حکیم (بقره: ۳۲). ثانیاً، قرآن از هرگونه اختلاف درونی پیراسته است؛ زیرا هماهنگی درون در یک سخن از بدیهی‌ترین اصول فصاحت و بلاغت است که هر سخنوری در رعایت آن سعی تمام دارد. به یقین این امر در مورد قرآن نیز صادق است. افزون بر این، ادله عقلی نشان می‌دهد، وجود اختلاف در قرآن با حکمت الاهی و هدف هدایتگری آن به درستی و کمال ناسازگار است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۷۲-۷۳). طبق آیه ۸۲ سوره نساء، یکی از ابعاد اعجاز قرآن پیراستگی از اختلاف است. روایت نیز به هماهنگی درونی قرآن تأکید دارد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸).

یادآور می‌شویم، میان آیات ناسخ و منسوخ تعارضی وجود ندارد؛ زیرا یکی از شرایط تعارض وحدت زمان است. زمان انجام حکم آیه منسوخ و ناسخ متفاوت است (ر.ک: عنایه، بی‌تا، ص ۱۵۷-۱۵۹) بنابراین در قرآن دو مطلب متعارض غیر قابل جمع یافت نمی‌شود.

۱۱-۲-۲. راهکارهای رفع تعارض غیر مستقر

گاه تعارض غیرمستقر بدوی و ناپایدار بوده و با تأمل از بین می‌رود. چون عرف می‌تواند میان دلالت آن دو جمع کند. (ر.ک: یزدی، ۱۴۲۶ق، ص ۳۹، انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۸۹۴ و خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵). آیات متعارض بدوی گونه‌هایی دارد که راه حل آن عبارتند از:

الف) مقدم ساختن آیه نص بر آیه ظاهر

عبارت نص صریح در مطلب بوده و احتمال خلاف در آن راه ندارد؛ ولی دلالت کلام ظاهر بر مراد گوینده چند احتمال را برمی‌تابد که از میان آنها، یکی زودتر به ذهن خطور می‌کند (ر.ک: قمی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۶۳ و ۱۶۴ و آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۳۹). نص قرینه تصرف در ظاهر می‌شود. آیه «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» (انعام: ۱۰۳) نص و آیات «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ» (قیامت: ۲۲ و ۲۳) ظاهر است. آیه اول قرینه است بر این که رؤیت خداوند با قلب است (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۳۸ و ج ۲، ص ۱۱۲). همچنین آیه‌ای که دلالتش بر معنا اظهر است بر ظاهر مقدم می‌شود (انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۷۸۴ و ۷۸۸).

ب) تخصیص آیه عام با آیه خاص

«عام» کلیه افراد و مصادیق خود را شامل می‌شود و سه گونه است: استغراقی یا افرادی و بدلی یا عام مجموعی. (ر.ک: مظفر، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۱). آیه متعارض عام و خاص، از حیث تقدم و تأخر زمانی دو حالت دارند:

حالت اول: تقدم زمان نزول آیه عام. در این صورت، آیه خاص قرینه تصرف در عام بوده و آن را تخصیص می‌زند (خمینی، ۱۳۷۵ش، ص ۳۵ و ۷۶).

حالت دوم: تقدم زمان نزول خاص، در این صورت، اگر آیات مربوط به غیر رفتار، یعنی بینش و گرایش باشد؛ آیه عام با آیه خاص تخصیص می‌خورد. اما اگر آیات مربوط به عمل باشد، دو احتمال تخصیص و نسخ مطرح خواهد بود که در تحت عنوان «تخصیص و نسخ» خواهد آمد.

ج) مقدم کردن تخصیص بر نسخ

در مواردی که آیات متعارض مربوط به رفتار بوده و آیه عام پس از آیه خاص نازل شده باشد، دو صورت متفاوت پیش می‌آید:

الف) نزول آیه عام پیش از فرارسیدن وقت عمل به خاص. در این صورت احتمال وقوع نسخ بسیار ضعیف است؛ زیرا شرط نسخ که عمل به خاص است، موجود نیست. پس عام با خاص تخصیص می خورد.

ب) نزول آیه عام پس از فرارسیدن وقت عمل به خاص. در این صورت احتمال تخصیص و نسخ وجود دارد؛ لکن تخصیص بهتر از نسخ است. ظهور آیه خاص در استمرار ازمانی به حال خود باقی می ماند و ظهور آیه عام در عموم افرادی تخصیص می خورد (ر.ک: محمدی، ۱۳۸۲ش، ص ۳۳۰-۳۳۵).

د) تقييد آيه مطلق با آيه مقيد

مطلق بر معنایی دارای افراد دلالت می کند. اسم جنس، نکره، مفرد دارای الف و لام، الفاظ مخصوص مطلق هستند (مظفر، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۷۳). مقید کلمه‌ای است که با افزودن قیدی دایره شمول آن محدود شده است (آخوند خراسانی، ۱۳۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۷۶). آیه مقید آیه مطلق را تقیید می زند.

ه) مقدم کردن آيه مطلق دارای قدر متيقن و غير آن

اگر یکی از آیات متعارض قدر متیقن داشته باشد، بر دیگری مقدم می شود؛ زیرا آن آیه در قدر متیقن همانند نص است و می تواند قرینه برای تصرف در آیه دیگر باشد. حتی ممکن است هر دو قدر متیقن داشته باشند که با حمل هر یک بر قدر متیقن خود، تعارض از بین می رود (غروی اصفهانی، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۳۴۸).

و) مقدم کردن آيه عام بر آيه مطلق

در صورت تعارض میان مدلول مطلق یک آیه و با مدلول عام آیه دیگر، مطلق تقیید می خورد و عام به عموم خود باقی می ماند. اندیشمندان بر این امر دو دلیل آورده اند:

۱. تنجیزی بودن ظهور عام در عموم و معلق ظهور مطلق در اطلاق که در گرو تحقق مقدمات حکمت است. از جمله مقدمات حکمت، نبود قرینه است و عام صلاحیت قرینه بودن را دارد. (انصاری، ۱۴۱۶ق، ص ۷۹۲).

۲. موضوع حکم عام اصولی کل فرد فرد است که از الفاظی مانند «کل» و لام استغراق و مانند آن استفاده می شود؛ ولی موضوع حکم در مطلق طبیعت است و دلالتی بر افراد ندارد؛ در نتیجه دلالت عام بر افراد قوی بوده و بر مطلق مقدم می شود (خمینی، ۱۳۷۵ش، ص ۷۵). به

عنوان نمونه خداوند در آیه شریفه تبیان می‌فرماید: «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ وَجَعَلْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹).

با عنایت به این که در ظاهر قرآن همه چیز نیامده است، یا باید از عمومیت «کل شیء» در آیه شریفه دست برداشت و آن را به نحوی تخصیص زد و یا اینکه اطلاق آن را مقید کرد و معتقد شد، جامعیت مورد نظر آیه شریفه برای همه افراد نیست؛ بلکه فقط برای خود پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و به تبع ایشان، امامان معصوم (علیهم‌السلام) است. با توجه به این قاعده، اطلاق آیه را با عموم آیه تقیید زده و معتقد می‌شویم، جامعیت قرآن کریم ویژه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) است.

ز) تصرف در ناحیه موضوع یک آیه با آیه دیگر

در مواردی یکی از دو دلیل بر دیگری حکومت دارد. مراد از حکومت عبارت است از: «خارج کردن برخی از افراد عام از حکم یا وارد کردن افرادی در آن، با تصرف در ناحیه موضوع» خارج شدن برخی افراد در «حکومت» بر خلاف تخصیص حقیقی نیست (نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۴، ص ۷۱۰). به عنوان نمونه «وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ تَقَلَّتْ مُوَاظِنُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مؤمنون: ۱۰۲) که برپایی میزان اعمال در قیامت را مطرح می‌کند.

آیه دیگر سنجش اعمال کفار در قیامت را نفی می‌کند: «أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَاهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا» (کهف: ۱۰۵) آیه دوم بر آیه اول حاکم است و موضوع آن را بر عملی که باقی باشد، منحصر می‌کند و اعمال کافران را که حبط شده است، فاقد وزن می‌شمارد (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۰ و ج ۲، ص ۱۶۹-۱۷۲).

ح) از بین بردن موضوع یک آیه با آیه دیگر

گاه یک دلیل، با تعبد شرعی، موضوع دلیل دیگر را حقیقتاً از بین می‌برد که در اصطلاح به ورود می‌گویند (ر.ک: مظفر، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۲۳ و ۲۲۴). مثلاً آیه «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» (بقره: ۱۸۲) به صورت مطلق روزه را واجب می‌شمارد و آیه «وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج: ۷۸) حکم حرجی از دین الهی را نفی می‌کند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۴۱۲). بنابراین آیه دوم وارد بر آیه نخست بوده و موضوع آن را مضمیق می‌کند به روزه‌ای که در آن حرج نباشد.

ط) متفاوت دانستن موضوع هر یک از آیات

در برخی موارد به رغم این که دو دلیل در ظاهر موضوعی مشترک دارند، با دقت روشن می شود، موضوعات آنها یکی نیست. برخی از این موارد عبارتند از:

۱. کاربرد یک واژه در دو آیه با دو معنای متفاوت. مثلاً آیه: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا» (مریم: ۶۴) هرگونه نسیان را از خدا نفی می فرماید و آیه «الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ هُؤُلَاءِ وَعَلِيًّا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا» (اعراف: ۵۱) اشاره دارد، خداوند در قیامت، کسانی را فراموش می کند. با دقت معلوم می شود، «نسیان» در آیات دسته دوم به معنای تناسی و تغافل، یعنی به فراموشی سپردن و بی اعتنا بودن است و بین آیات تعارضی نیست (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۳ق، ص ۱۸۷ و ۱۸۸).

۲. کاربرد یک مفهوم در مصادیق متفاوت. مثلاً آیه «رَبُّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» (اعراف: ۵۴) آفرینش آسمانها و زمین را در شش دوره ترسیم می فرماید. آیه ای دیگر اشاره دارد، در این شش روز، افزون بر آسمانها و زمین، مخلوقات بین آنها نیز آفریده شده است: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» (ق: ۳۸). آیه سوم دلالت دارد، آسمان و زمین و مخلوقات بین آنها در هشت دوره آفریده شده است: «قُلْ أَتُنْكُرُونَ لِلَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ ... وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ ... فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ» (فصلت: ۹-۱۲).

با تأمل به دست می آید، مصداق ایام در عبارت «ستة أيام» دوره آفرینش و در «أربعة أيام» چهار فصل سال یعنی بهار، تابستان، پاییز و زمستان است، که در آن ارزاق زمین تقدیر می شود (ر.ک: قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۲۶۲ و طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۶۴ و معرفت، ۱۴۲۳ق، ص ۱۷۸ و ۱۷۹). بنابراین اختلافی بین آیات مربوط به آفرینش آسمان و زمین و میان آن دو وجود ندارد.

۳. اشاره هر یک از آیات به مرحله متفاوت. آیه «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ» (مؤمنون: ۱۰۱) با «وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ» (صافات: ۲۷) متعارض به نظر می رسد؛ لکن نفی هرگونه پرسش در قیامت مربوط به مراحل نخستین رستاخیز است که اضطراب و وحشت آنقدر انسانها را پریشان می کند که یکدیگر را به کلی فراموش می کنند؛ ولی سؤال از یکدیگر مربوط به بعد از استقرار در بهشت و جهنم و یا در آستانه ورود به آن دو است (معرفت، ۱۴۲۳ق، ص ۲۶۰ - ۲۸۲).

مسلمان صدر اسلام در مسائلی سکوت قرآن را شاهد بر امضای شارع و جواز آن می‌شمردند (ر.ک: مسلم بن حجاج، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۰۶۵). اندیشمندان اسلامی نیز بر این امر اشاره دارند (ر.ک: غروی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۲۳۳). البته این امر شرایطی دارد که عبارتند از:

۱. شایع و مورد ابتلای جامعه اسلامی بودن مسأله،
۲. وجود انگیزه لازم برای بیان حکم و نظر قرآن کریم،
۳. نبود منع در روایات.

آسیب‌های این مرحله نیز عبارتند از: ۱. عدم التزام به قرآن و بسنده کردن به ادله و شواهد عقلی، روایی و تاریخی؛ ۲. غفلت از بخشی از آیات قرآن و ناتوانی از جمع‌آوری تمام آیات. ۳. عدم بهره‌بری درست از دستاورد بشری. آگاهی از دستاوردهای بشری در باب مسأله مورد تحقیق، ضروری است و وفق تفسیری مفسر را گسترش می‌دهد (ر.ک: صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۲۹ و ۳۳).

۱۲. مرحله دوازدهم: ارزیابی نظریه

ارزیابی نظریه از جهت صحت و سقم، مرحله نهایی نظریه‌پردازی قرآنی است. این امر به جهت دشواری و حساسیت استخراج نظریه قرآن از اهمیت شایان توجه برخوردار است. این ارزیابی به دو شکل انجام می‌گیرد:

۱۲-۱. ارزیابی درونی نظریه

در ارزیابی درونی، باید نظریه را از سه جهت ذیل به آزمون گذاشت:

۱. استحکام درونی و به‌دور بودن از هرگونه تضاد و تناقض درونی و محتوایی؛
۲. پوشش نسبت به تمام موارد و مصادیق خود و تعمیم‌پذیری؛
۳. قابل اجرا بودن.

۱۲-۲. ارزیابی بیرونی نظریه

در ارزیابی بیرونی نظریه از جهت عدم مخالفت با این امور ارزیابی می‌شود:

۱. ارزیابی با مسلمات قرآن و روایات؛
۲. ارزیابی با قطعیات دانش بشری؛
۳. ارزیابی با واقعیت خارجی.

نتیجه گیری

از آنچه گذشت، نتایج ذیل حاصل شد:

۱. فرایند نظریه پردازی قرآنی دوازده مرحله دارد که عبارتند از: انتخاب مسئله، ایضاح مفاهیم کلیدی مسئله، تهیه ساختار، آگاهی از پیشینه و دستاوردهای بشری درباره مسئله، به دست آوردن دیدگاه‌های مهم در مسئله، مطالعه اکتشافی قرآن، ارائه فرضیه، دسته‌بندی و مرتب کردن آیات، تفسیر آیات گردآوری شده در جایگاه خود، مشخص کردن حد دلالت آیات، استخراج نظریه، ارزیابی نظریه.
۲. در صورتی می‌توان به نظریه قرآن کریم دست یافت که تمام این مراحل را به صورت فرایند و با ترتب منطقی طی کرد و ضمن رعایت راهکارها و قواعد لازم هر مرحله از آسیب‌های آن نیز دور بود.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم

نهج البلاغه

- آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۰۹ق)، *کفایة الأصول*، قم: الموسسه آل‌البیت (ع.م.س).
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ق)، *شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید*، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸ق)، *التوحید*، قم: جامعه انتشارات مدرسین حوزه علمیه قم.
- اسعدی، محمد، (۱۳۸۵ش)، *سایه‌ها و لایه‌های معنایی: درآمدی بر «نظریه معناشناسی مستقل فرازهای قرآنی در پرتو روایات تفسیری»*، قم: بوستان کتاب.
- ایزوتسو، توشیهیکو، (۱۳۸۱ش)، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بابایی، علی اکبر، (۱۳۸۱ش)، *مکاتب تفسیری*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بابایی، علی اکبر، (۱۳۹۴ش)، *قواعد تفسیر*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بازرگان، مهدی، (۱۳۷۷ش)، *سرتحول قرآن*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بستان، حسین، (۱۳۹۰ش)، *به سوی علم دینی؛ روش بهره‌گیری از متون دینی در علوم اجتماعی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- توسلی، غلام عباس، (۱۳۸۷ش) *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت.

- تونبی، عبدالله بن محمد، (۱۴۱۵ق)، *الواقیة فی أصول الفقه*، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۷ش)، *شریعت در آینه معرفت*، قم: مرکز نشر اسراء.
- حائری اصفهانی، محمدحسین بن عبدالرحیم، (۱۴۰۴ق)، *الفصول الغرویة فی الأصول الفقهیة*، قم: دار احیاء العلوم الاسلامیه.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعه*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حسن زاده، رمضان، (۱۳۸۶ش)، *روش های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: ساوالان.
- حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۵ق)، *نهایة الوصول الی علم الأصول*، قم: موسسه الامام الصادق (علیه السلام).
- خمینی، روح الله، (۱۳۷۵ش) *التعادل و الترجیح*، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دانایی فرد، حسن، (۱۳۸۸ش)، «روش شناسی عمومی نظریه پردازی»، *فصلنامه روش شناسی علوم انسانی*، شماره ۱۵، صص ۷-۳۲.
- الدرازی، محمد عبدالله، (۱۳۹۴ق)، *النبا العظیم*، کویت: دارالقلم.
- درزی، قاسم؛ فرامرز قراملکی، احد؛ پهلوان، منصور، (۱۳۹۲ش)، «گونه شناسی مطالعات میان رشته ای در قرآن کریم»، *فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی*، دوره پنجم، شماره ۴، صص ۷۳-۱۰۲.
- رجبی، محمود، (۱۳۸۳ش)، *روش تفسیر قرآن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۸ش)، «شیوه های تفسیر موضوعی قرآن کریم»، *مجله پژوهش نامه قرآن و حدیث*، شماره ۶، صص ۳۲-۳۷.
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۴۷ش)، *کند و کاو و پنداشته ها*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، (۱۴۰۸ق)، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالفکر.
- زرکشی، محمد، (بی تا)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالمعرفة.
- سعید، عبدالستار فتح الله، (۱۴۱۱ق)، *المدخل الی التفهیم سیرالموضوعی*، القاهرة: دارالتوزیع و النشر الاسلامیة.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (بی تا)، *المزهر فی علوم اللغه و انواعها*، بیروت: دارالفکر.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (بی تا)، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت: منشورات شریف رضی.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (بی تا)، *البهجة المرضیة علی الفیة ابن مالک*، قم: اسماعیلیان.

- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۰۶ق)، *حقائق التأویل فی متشابه التنزیل*، شارح: محمدرضا آل کاشف الغطاء، بیروت: دار الأضواء.
- صدر، سید محمد باقر، (۱۴۲۱ق)، *المدرسه القرآنیة*، بیروت: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید صدر.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۵۳ش)، *قرآن در اسلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مکتبه اعلام الاسلامی.
- عمری، احمد جمال، (۱۴۰۶ق)، *دراسات فی التفسیر الموضوعی للقصص القرآن*، قاهر: مکتبه الخانچی.
- عوده، خلیل عوده، (۱۴۰۵ق)، *التطور الدلالی بین لغة الشعر الجاهلی و لغة القرآن*، اردن: مکتبه المنار.
- غروی، محمد حسین، (۱۳۷۴ش)، *نهایه الدراییه*، قم: انتشارات سید الشهداء.
- فتحی، علی، (۱۳۸۵ش)، «تفسیر موضوعی و مراحل آن»، *فصلنامه معرفت*، شماره ۱۰۷، صص ۹۷-۱۰۴.
- فراء، یحیی بن زیاد، (۱۹۸۰م)، *معانی القرآن*، محقق: محمد علی نجار و احمد یوسف نجاتی، قاهره: الهیئه المصریة العامه للکتاب.
- فرامرزی قراملکی، احد، (۱۳۸۰ش)، *روش شناسی مطالعات دینی*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- قاضی زاده، کاظم، (۱۳۸۶ش) *روش شناسی تفسیر موضوعی*، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- قراملکی، احد فرامرزی، (۱۳۸۰ش) *روش شناسی مطالعات دینی*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- قراملکی، احد فرامرزی، (۱۳۸۸ش)، *اصول و فنون پژوه درگستره دین پژوهی*، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷ش)، *تفسیر قمی*، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتاب.
- کریمی، مصطفی، (۱۳۸۹ش)، «ماهیت تفسیر موضوعی»، *مجله قرآن شناخت*، شماره ۶، صص ۴۵-۶۳.
- کریمی، مصطفی، (۱۳۸۸ش)، «موانع و آسیب های غیر معرفتی تفسیر قرآن»، *مجله معرفت*، شماره ۱۴۳، صص ۳۳-۵۳.

کرلینجر، فردیک نیکلز، (۱۳۷۴ش)، *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*، ترجمه دکتر حسن پاشا شریفی و دکتر جعفر نجفی زند، تهران: آوای نور.

کریمی، مصطفی، (۱۳۸۶ش)، *وحی شناسی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (ع.س.پ).

کریمی، مصطفی، (۱۳۹۰ش)، *جامعیت قرآن کریم: پژوهشی در قلمرو قرآن*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

محمدی، علی، (۱۳۸۵ش)، *شرح کفایه الاصول*، قم: الامام الحسن بن علی (علیه السلام).

مرادی زنجانی، حسین؛ لسانی فشارکی، محمد علی، (۱۳۸۵ش)، *روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم*، زنجان: انتشارات قلم مهر.

مسلم بن حجاج، ابوالحسن، (۱۴۰۷ق)، *صحیح مسلم*، بیروت: مؤسسه عزالدین.

مسلم، مصطفی، (۱۴۲۱ق)، *مباحث فی التفسیر الموضوعی*، دمشق: دارالقلم.

مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۱ش)، *فلسفه اخلاق*، تحقیق احمد حسین شریفی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴ش)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.

مظفر، محمد رضا، (۱۳۸۸ق)، *المنطق*، النجف: مطبعة النعمان.

مظفر، محمد رضا، (۱۴۰۸ق)، *اصول الفقه*، قم: اسماعیلیان.

معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۵ش)، *تاریخ قرآن*، تهران: سمت.

معرفت، محمد هادی، (۱۴۲۳ق)، *شبهات و ردود حول القرآن الکریم*، قم: موسسه التمهید.

معرفت، محمد هادی، (۱۴۲۹ق)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: مؤسسه التمهید.

المعنی، زاهر بن عواض، (۱۴۰۵ق)، *دراسات فی التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم*، ریاض: مطابع الفرزدق.

مفید، محمد بن النعمان، (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم: المؤتمر العالی لالقیة اشیخ المفید.

موسوی نسب، سید محمد صادق، (۱۳۹۰ش)، «فرضیه؛ کجا لازم است؟»، *مجله پژوهش*، سال ۳، شماره ۲، صص ۵-۱۴.

نائینی، محمد حسین، (۱۳۷۶ش)، *فوائد الأصول*، تقریرات محمد کاظم خراسانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.



هومن، حیدرعلی، (۱۳۸۴ش)، شناخت روش علمی در علوم رفتاری (پایه‌های پژوهش)، تهران: پیک فرهنگ.

یزدی، محمد کاظم، (۱۴۲۶ق) /التعارض، قم: موسسه انتشارات مدین.